

Social Romanticism Analysis Based on Shamloo's Poems

Nila Nourbalin^۱, Mahmoud Sadeghzadeh^۲, Azizollah Tavakoli Kafi Abad^۳

Abstract

Shamloo, the head of the white poetry, is an Iranian writer and translator. Shamloo's poetry can be analyzed based on various aspects, especially literary schools. Although there have been so many inspections in Shamloo's poetry on the matter of romantic elements; there has not been any analysis or deliberation in Shamloo's poetry based on social romanticism. This query quests the most important characteristics of social romanticism; like: humanism, lyricist mentality; also addresses the social theorems, together with the nationalism and symbolist nature in social and political concepts with a descriptive, analytical and quantitative evaluation. The frequency of lyricist mentality, dealing with the social theorems and symbolist nature is continuously reflected in Shamloo's poetry. Humanism also grabs the attentions in Shamloo's viewpoints. Shamloo was dedicated to the whole world, so nationalism has no serious place in his poems; because Shamloo never had limited himself to his motherland. All in all, through Shamloo's romantic poems, ۱۷۴ poems (about ۴۰/۸۶ percent) can be found in social romantic concept and among these poems, ۵۹ ones (about ۳۳/۹۰ percent) have humanist viewpoints; besides the other ۱۱ ones (۶/۳۲ percent) that have nationalist perceptions.

Keywords: Social Romanticism, Humanism, Shamloo's Poetry, Lyricist Mentality, Social Themes

۱- Ph.D. Persian Language and Literature Department, Yazd branch student, Yazd Islamic Azad University, Iran. Email: nnourbalin@gmail.com

۲- Assistant Professor of Persian Language and Literature Department, Yazd branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. Email: sadeghzadeh@iauyazd.ac.ir

۳- Assistant Professor of Persian Language and Literature, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. Email: A.tavakoli^{۹۸}@gmail.com

References

Compilations

- ۱- Pashaei, Ali, (۲۰۰۳). Ahmad Shamlou life and poetry. Vol ۱ Thaleth Publications.
- ۲- Pourazimi, Saeed, (۲۰۱۷). Bam-e Boland-e Hamcheraghi (Ba Ayda Darbareh Ahmad Shamlou, Tehran: Hermes.
- ۳- Jafari Jazi, Masood (۱۹۹۹). The survey of romanticism in Europe, Tehran: Markaz Publications.
- ۴- Hoghoghi, Mohammad, (۱۹۸۹). The poem of our time, Negah Publications.
- ۵- Dianoush, Iliad (۲۰۰۶). Lullaby with trumpet (selections of Ahmad Shamlou's items and unsaid) Tehran: Morvarid.
- ۶- D. Smith, Anthony (۲۰۱۵). Nationalism and modernism, translated by Kazem Firouzmand, Tehran: Thaleth Publications.
- ۷- Salajaghe, Parvin (۲۰۱۶). A criticism on contemporary poetry, Amirzade-ye-Kashiha (Ahmad Shamlou) Tehran: Morvarid.
- ۸- Soltanpour, Monir (۲۰۱۲). Subjectivity in contemporary poetry, Tehran: contemporary thought discourse. (E-book).
- ۹- Seyyed Hosseini, Reza (۲۰۱۵). Literary schools, vol ۱, Tehran: Negah.
- ۱۰- Shamlou, Ahmad (۲۰۱۵). Ahmad Shamlou's works, poems, Tehran: Negah Publications.
- ۱۱- Shahrjerdi, Parham (۲۰۰۲). The morning Odyssey, Tehran: Andisheh Sazan.
- ۱۲- Saheb Ekhtiari, Behrouz & Hamid Reza Bagherzadeh (۲۰۰۲). Ahmad Shamlou poet of nights, Tehran: Hirmand.
- ۱۳- Fromm, Erich (۲۰۱۶), art of loving, Tehran: Jami Publications. (E-book).
- ۱۴- Forest, Lilian (۲۰۱۲). Romanticism, translated by Masood Jafari, Tehran: Markaz Publications.
- ۱۵- Ghadamyari, Majid (۲۰۱۳). A poem which is life, Tehran: Sokhan.
- ۱۶- Marie, Pierre (۲۰۱۶). Humanism and renaissance, translated by Abdolvahhab Ahmadi, Agah Publications.
- ۱۷- Mojabi, Javad (۲۰۱۲). An interdiction of Ahmad Shamlou, Tehran: Ghatreh Publications.

Articles

- ۱- Ahmadi, Shahram & Parvaneh Delavar (۲۰۱۷). Pragmatic investigation of symbolism in Ahmad Shamlou's poetry. Bustan-e Adab, year ۹, No ۲, serial number ۳۲: ۲۵-۴۸.

- ۲- Ardestani, Ali & Fariba Molajafari (۲۰۱۶). The policy of gender and identity in contemporary Iran focusing on Shamlou's poetry. The journal of interdisciplinary studies in humanities. No ۳: ۱۲۷-۱۵۲.
- ۳- Pournamdarian, Taghi, Abolghasem Radfar & Jalil Shakeri. Investigating and interpreting some symbols in contemporary poetry. Contemporary Persian literature, humanities and cultural studies institution. Year ۲, No ۱: ۲۵-۴۸.
- ۴- Zandiyeh, Hassan & Mohsen Esmaili (۲۰۱۱). Invisible soul of Persian poetry, the effect of political and social factors of Pahlavi dynasty on ups and downs of Persian romanticism, historical essays. Humanities and cultural studies institution. Year ۲, No ۱: ۱۲۷-۱۵۵.
- ۵- Salemian, Gholamreza, Seyyed Mohammad Arta & Donya Heydari (۲۰۱۲). Investigating symbols implications in classical literature and Ahmad Shamlou's poems. Yea ۲۰, No ۷۳: ۶۷-۹۸.
- ۶- Shakibi Momtaz, Nasrin. Symbol and its position in Shamlou's poetry relying on Fog Poem. Journal of literature critical studies, Quarterly of Golestan University. Year ۱, No ۴: ۱۱۷-۱۳۸.
- ۷- Sadraei, Roghayyeh & Masoumeh Sadeghi (۲۰۱۸). Nationalist discourse analysis in Ahmad Shamlou's poems (based on Laclau and Mouffe discourse analysis theory). Journal of literary text researching, year ۲۲, No ۷۵: ۱۷۵-۲۰۶.
- ۸- Motahed, Shiva, Kavous Hassan Li & Hossein Kian (۲۰۱۷). Feminine aspect of symbols in Persian and Arabic contemporary literature taking a look at poems by Ahmad Shamlou and Abd al-Wahhab Al-Bayati. Scientific and research quarterly of comparative literature studies. No ۲: ۸۴-۱۱۹.
- ۹- Mashregh Newspaper, ۲۰۱۸/۰۸/۱۹, demonstrations of ۱۹۵۱/۰۷/۱۵: ۱۴-۴۹.

فصل‌نامه علمی جستارنامه ادبیات تطبیقی

سال ششم، شماره نوزدهم، بهار ۱۴۰۱

بررسی مکتب رمانتیسم اجتماعی در شعر شاملو

نیلا نوربیلین^۱، محمود صادق زاده^۲، عزیزاله توکلی کافی آباد^۳

صص (۱۲۹-۱۰۸)

چکیده

شاملو سردمدار شعرسپید، نویسنده و مترجم ایرانی‌ست. شعر شاملو از ابعاد گوناگون به ویژه مکتب‌های ادبی قابل تحلیل و بررسی است. هرچند در زمینه‌ی مولفه‌های مکتب رمانتیسم در شعر شاملو بررسی‌های زیادی انجام شده اما مکتب رمانتیسم اجتماعی در شعر شاملو تحلیل و بررسی نشده است. در این جستار به شیوه‌ی توصیفی، تحلیلی و ارزیابی کمی به بررسی مهم‌ترین مشخصه‌های مکتب رمانتیسم اجتماعی، همچون: اومانیسیم، ذهنیت غنایی و پرداختن به مسائل اجتماعی، ناسیونالیسم، طبیعت‌نمادین در مفهوم سیاسی و اجتماعی پرداخته شده است. بسامد ذهنیت غنایی و پرداختن به مسائل اجتماعی و طبیعت‌نمادین در شعر شاملو نمود زیادی دارد. اومانیسیم نیز در شاملو قابل توجه است. ناسیونالیسم در شعر او جایگاه چندانی ندارد، زیرا که شاملو خود را به سرزمین مادری محدود نکرده بود او به همه دنیا تعلق داشت. به‌طورکلی از میان اشعار رمانتیسم شاملو، ۱۷۴ شعر (۴۰/۸۶ درصد) رمانتیسم اجتماعی و در این میان، ۵۹ مورد (۳۳/۹۰ درصد) نگرش اومانیستی و ۱۱ مورد (۶/۳۲ درصد) نیز نگرش ناسیونالیستی مشاهده شد.

واژه‌های کلیدی: رمانتیسم اجتماعی، شاملو، ذهنیت غنایی و پرداختن به مسائل اجتماعی، اومانیسیم

۱- دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

nnourbalin@gmail.com

۲- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران Sadeghzadeh@iauyazd.ac.ir

۳- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. A.tavakoli98@gmail.com

۱- مقدمه

۱-۱. اهمیت و بیان مسأله

احمد شاملو، شاعر، نویسنده، فرهنگ‌نویس ادیب و مترجم ایرانی است. او نماینده‌ی اصلی شعر سپید در زبان فارسی به شمار می‌رود. وجود مولفه‌های رمانتیسم در شعر شاملو نشان از ذهنیت غنایی اوست. باید دانست شاملو شاعری روشنفکر و متعهد است و نمی‌تواند تنها از احساسات و عواطف عاشقانه‌ی خود سخن بگوید، از این‌رو، گاه در شعر او ذهنیت غنایی با پرداختن به مسائل اجتماعی همراه است.

شاملو رهایی، آزادی و آزادگی را سرود و ستایش می‌کند و از عشق، دلادگی و انسان دوستی می‌نویسد و آنرا ارج می‌نهد. (شهرجردی، ۱۳۸۱: ۱۶۱) او حتی در عاشقانه‌هایش نیز نگران مردم است. عوامل متعددی در این نوع نگرش شاملو نقش دارند؛ از جمله حوادث و رخداد‌های اجتماعی، احزاب و تشکل‌های سیاسی، تاثیرپذیری او از نیما، به ویژه در کاربرد نماد برای ابراز عقاید و اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی. شاملو نمونه برتر و مثال‌زدنی نسل امروز است، نسلی که با شعار قانون‌خواهی مبارزاتش را آغاز کرد و از دهه‌ی بیست برای آزادی انسان مبارزه کرد. (مجبایی، ۱۳۹۱: ۲۰-۲۲)

در این جستار کوشش می‌شود، به بررسی و ارزیابی مهم‌ترین مولفه‌های رمانتیسم اجتماعی، همچون: ذهنیت غنایی و پرداختن به مسائل اجتماعی، طبیعت‌گرایی در مفهوم نمادین، موضوعات و درون‌مایه‌های اجتماعی و سیاسی، مفاهیم نگرش اومانستی و ناسیونالیستی پرداخته‌شود.

۲-۱. پیشینه پژوهش

در زمینه مکتب رمانتیسم، موضوعات اجتماعی، اومانیسیم و ناسیونالیسم در شعر شاملو پژوهش‌هایی انجام شده است. مانند: «رمانتیسم و بازتاب آن در شعر احمد شاملو» نویسنده معصومه صادقی، دو فصل‌نامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی (شفای دل)، ۱۳۹۷: ۱۰۵-۱۲۳. نگارنده در این مقاله کوشیده است تا به تمام مولفه‌های مکتب رمانتیسم در شعر شاملو توجه داشته باشد اما بسامد مولفه‌ها مشخص نمی‌شود.

مقاله‌ی دیگر «بررسی تطبیقی مولفه‌های رمانتیسم در سروده‌های احمد شاملو و نزار قبانی، نویسندگان: شیما صادقی بنیس و معصومه صادقی، دو فصل‌نامه‌ی مطالعات نقد ادبی سال یازدهم پاییز و زمستان ۱۳۹۵، شماره ۴۴: ۱۳۷-۱۵۸. در این مقاله مولفه‌های رمانتیسم در شعر دو شاعر بررسی شده است. مقاله‌ی «زمینه اجتماعی اشعار شاملو و

ماغوط» نویسندگان: فاطمه قادری و مهری زینی، نشریه‌ی ادبیات تطبیقی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال اول، شماره‌ی اول، پاییز ۸۸: ۱۰۹-۱۳۱. هدف این نوشتار آن است تا به بررسی زمینه‌های مشترک اجتماعی این دو شاعر بپردازد اما بیشتر به عواطف ناشی از تأثیرات اجتماعی پرداخته شده است.

مقاله‌ی «تحلیل گفتمان ناسیونالیستی در مجموعه اشعار احمد شاملو» نویسندگان: رقیه صدراپی و معصومه صادقی، مجله متن پژوهی ادبی، سال ۲۲، شماره‌ی ۷۵، بهار ۱۳۹۷: ۱۵۷-۲۰۶. در این مقاله انواع گفتمان‌ها در شعر شاملو با توصیف و تحلیل و استناد به اشعارش بررسی شده است. مقاله‌ی «تحلیل تطبیقی اشعار اجتماعی برتولت و برشت و احمد شاملو» نویسندگان: مریم شریفیان، محمد رضا دیری و افسانه صحتی گرگانی، مجله پژوهش ادبیات معاصر جهان، دوره ۲۰، شماره‌ی ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۴: ۱۱۱-۱۲۸. این مقاله بر اساس مکتب فرانسه به بررسی و مقایسه اشعار اجتماعی شاملو و برتولت و برشت پرداخته است.

مقاله‌ی «بررسی تطبیقی اومانیسیم در اشعار بلند الحیدری و احمد شاملو» نویسندگان: حمید ولی‌زاده، فردین قنبری، سیروس محمود زاده، ششمین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه زبان و ادبیات ایران، سال انتشار: ۱۳۹۹. این مقاله به روش توصیفی تحلیلی و توجه به نقاط مشترک مضامین شعر دو شاعر مولفه‌های اومانیسیم را در شعرشان بررسی کرده است. به عقیده‌ی پژوهندگان عمده‌ترین مضامین مشترک در شعر این دو عشق، زندگی، مرگ، شکوه، اعتراض و غربت است.

مقاله‌ی «انسان باوری و برخی از کارکردهای آن در شعر شاملو»، نویسندگان: شاهرخ حکمت و سمین ریاضی. فصل‌نامه‌ی علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی ادب و عرفان، شماره‌ی ۸، ۱۳۹۰: ۱۴۰-۱۲۱. گزاره‌هایی در این مقاله انتخاب شده است تا دغدغه‌های شاملو را نسبت به انسان روزگار خود برای خواننده ملموس کند. تاکنون مقاله‌ای با عنوان رمانتیسم اجتماعی در شعر شاملو نگاشته نشده است.

۳-۱. روش تحقیق

در این مقاله، به شیوه‌ی توصیفی تحلیلی و ارزیابی کمی مهم‌ترین مولفه‌های مکتب رمانتیسم اجتماعی در شعر شاملو بررسی شده است. دفترهای شعر شاملو که مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته، عبارتند از: آهن‌ها و احساس، قطع‌نامه، هوای تازه، باغ آینه، لحظه‌ها و

همیشه، آیدا در آینه، آیدا: درخت وخنجر و خاره، ققنوس در باران، مرثیه‌های خاک، شکفتن در مه، ابراهیم در آتش، دشنه در دیس، ترانه‌های کوچک غربت، مدایح بی‌صله، درآستانه، حدیث بی‌قراری ماهان. این اشعار طی سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۲۳ گردآوری و در کتابی با عنوان: احمد شاملو، مجموعه آثار دفتر یکم، شعرها (۱۳۹۴) منتشر شده‌است. با توجه به منابع شناخت مکتب‌های ادبی و مقاله‌های مرتبط با موضوع شاخصه‌های مکتب رمانتیسم اجتماعی در اشعار شاملو شناسایی و با ذکر نمونه‌ها تحلیل و بسامد مولفه‌ها به صورت کمی ارزیابی شده است.

۴-۱. مبانی نظری تحقیق

رمانتیسم اجتماعی: از سال ۱۸۱۵ تا ۱۸۵۰ در اطراف نویسندگان رومانتیک عده‌ای فیلسوف و جامعه‌شناس و مورخ و معتقد بودند که اغلب ویژگی‌های رومانتیک را تأیید می‌کردند. اما گاهی عقایدی داشتند که به کلی با عقاید رومانتیک‌ها متفاوت بود. در این بین رومانتیسم احساسی، خود به خود شکست خورد و رومانتیسم اجتماعی رواج یافت. بعضی از نویسندگان خواستند نظام اجتماعی را تغییر دهند. و «فرد» را بر «جمع» ترجیح ندهند. بنابراین اصول و قوانین مورد بحث این نویسنده‌ها همیشه مطابق نظریه‌های رومانتیک نبود؛ گاه جنبه‌های رئالیستی در آن مشهود بود. (سید حسینی، ج ۱، ۱۳۹۴: ۲۸۰)

رمانتیک‌های اجتماعی با شور و حرارت خارق‌العاده‌ای با تحولات انقلابی زمان خود همراه شدند. انقلاب فرانسه محصول مشترک خرد و روشنگری و آرمان رمانتیسم محسوب می‌شود. از جانب رمانتیسم‌های اروپا تحول و رستاخیزی بزرگ بود که سعی داشت با شعار آزادی، برابری، برادری، نظام کهنه را ویران کند و نظام اجتماعی تازه‌ای را بنا کند. (جعفری‌جزی، ۱۳۷۸: ۱۷۴) رمانتیک‌های اجتماعی در جستجوی جهان پاکی و معصومیت، جهان عدالت و آزادی و برابری بودند. برای همین آن‌ها مجذوب انقلاب و جنبش‌های آزادی بخش شدند. (همان ۹۸۳)

فریدریک شلگل می‌گوید: شعر رمانتیک شعری پیشرو و جهانی است و تنها در پی آن نیست که انواع جداگانه شعر را از نو با یکدیگر همراه کند. شعر رمانتیک باید شعر را زنده، پرشور و اجتماعی کند و زندگی و اجتماع را شاعرانه سازد. به عقیده‌ی او در میان هنرها، شعر رمانتیک از نظر ذکاوت و نیروی اندیشه به فلسفه نزدیک است و از جنبه‌ی اجتماعی آن و عشق و دوستی و برادری که در آن وجود دارد به زندگی حقیقی نزدیک است. (فورست، ۱۳۹۱: ۶۹-۷۰)

با توجه به این توصیف، می‌توان گفت؛ شعر رمانتیسم اجتماعی در این ویژگی، یعنی نزدیک کردن شعر به زندگی واقعی موفق بوده است. مؤلفه‌هایی که در این گفتار در توصیف و تحلیل رمانتیسم اجتماعی از آن استفاده خواهند شد عبارتند از: ذهنیت غنایی و پرداختن به مسائل اجتماعی، طبیعت‌گرایی در مفهوم نمادین (نمادهای سیاسی و اجتماعی)، اومانیسیم و ناسیونالیسم.

۱) ذهنیت غنایی و پرداختن به مسائل اجتماعی: «رمانتیسم در ذات خود به ویژگی‌هایی چون احساس‌گرایی، تخیل، رویاپردازی، درون‌نگری، غم‌گرایی، عشق و فردگرایی مبتنی است. حال اگر شاعری رمانتیک با ویژگی‌هایی که ذکر شد بخواهد به محیط، اجتماع، ملت، میهن، مردم و موضوعاتی از این قبیل توجه کند و از آنها در شعر خود سخن بگوید، نوعی رمانتیسم جامعه‌گرا شکل خواهد گرفت.» (حسین پور چافی، ۱۳۸۴: ۱۶۱)

۲) طبیعت‌گرایی در مفهوم نمادین: آن هنگام که شاعر از طبیعت برای بیان مفاهیم اجتماعی و سیاسی بهره می‌گیرد. شعر رمانتیک را به سوی رمانتیسم اجتماعی هدایت می‌کند.

۳) اومانیسیم: کلمه اومانیسیم، در اصل به معنی «مطالعات آزاد» بود. این نام نخستین بار در ایتالیا مطرح شد نامش را از رومیان گرفته بود. هدف اصلی اومانیسیم آن بود تا روح و طبیعت انسانی را با ذوق کلاسیک همراه سازد و انتقاد آزاد را رواج دهد. (سیدحسینی، ۱۳۹۵: ۸۹-۹۰) «اومانیسیم، نگرش یا فلسفه‌ای است که با قرار دادن انسان در مرکز تأملات خود اصالت را به رشد و شکوفایی انسان می‌دهد.» (سلطانپور، ۱۳۹۱: ۴۹) اومانیسیم خودباوری را در انسان تقویت کرد. اومانیسیم هستی را در روی زمین جستجو کرد. (ثروت، ۱۳۹۵: ۲۵-۲۶) «اومانیسیم ارجمندی و کرامت سرشت انسانی را ستایش می‌کند تا انسان کامل را به تحقق برساند. و به او یادآوری کند که بالندگی آزاد معنوی‌اش نه مانعی می‌شناسد و نه حد و مرزی. اومانیسیم در باره‌ی گوهر انسان و ارجمندی اوست.» (ماری، ۱۳۹۵: ۱۸)

۴) ناسیونالیسم (ملی‌گرایی): «رمانتیسم به گونه‌ای متناقض‌نما، هم سرآغاز انزوای هنرمند در جامعه بوده و هم سرآغاز مستقیم او در مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی. تأثیر گرایش انقلابی و اجتماعی رمانتیسم در اوج‌گرفتن مبارزات ملی و جنبش‌های رهایی‌بخش به روشنی مشهود است. رمانتیک‌ها آزادی فرد را با آزادی ملت‌ها هم‌خوان می‌دیدند و در جستجوی نیرویی بودند که بتواند برای درهم ریختن وضع موجود و از میان بردن تباهی‌ها، از اعماق زندگی مردم و روح جمعی ملت‌ها سر برآورد. به همین دلیل

رمانتیسم با ناسیونالیسم پیوند می‌یابد و رمانتیسم به لحاظ اجتماعی در بسیاری از کشورها عصر رستاخیز ملی و تولد واقعی ملت به مفهوم جدید آن را تداعی می‌کند.» (جعفری‌جزی، ۱۳۷۸: ۱۷۵-۱۷۶)

نخستین ملی‌گرایان، کاملاً کلان شهری بودند. آن‌ها در انگلستان، سپس در بریتانیا، در فرانسه و در آمریکا، حتی زودتر از آلمان پدید آمدند؛ شفتسبری، بالینگبروک، برک و روسو بنیان‌های انواع سکولار ملی‌گرایی را در قرن هجدهم گذاشتند. باید گفت احساسات ملی و ملی‌گرایی از طریق طبقات دانش آموخته این دولت‌های ملی انتشار یافت و بر فعالیت‌های اقتصادی، رقابت‌های مستعمراتی همچنین سیاست و فرهنگ آن‌ها تأثیر گذاشت. (دی‌اسمیت، ۱۳۹۴: ۱۱۱)

ملی‌گرایی پاسخ طبیعی انسان‌هایی است که جهان اجتماعیشان با گروه بندی‌های ثابتش از بین نرفته است. آن‌ها مشتاق پیوستن به جمعی ماندگارند. (همان ۱۹۱)

ملی‌گرایی ممکن است خواهان خلوص باشد و محبت را هدف خود بداند. این محبت، محبتی است که برای به هم پیوند دادن آحاد ملت طراحی و پیش‌بینی شده است و خلوصی است که می‌خواهد ذات اصیل ملت را دوباره زنده کند. محبت و خلوصی که ملی‌گرایی می‌خواهد این جهانی است. همبستگی اجتماعی یا برادری است که دولت‌های ملی را در مسالمت و اتحاد نگاه می‌دارد. (همان: ۲۱۶)

۲- بحث

۲-۱. رمانتیسم اجتماعی در شعر شاملو

مهم‌ترین عوامل برای پیدایش رمانتیسم جامعه‌گرا، جنگ‌ها و انقلاب‌هاست. در ادبیات جهانی، جنگ جهانی تأثیر بسزایی در گسترش رمانتیسم اجتماعی بود و در برخی از کشورها چون فرانسه و روسیه، انقلاب مهم‌ترین انگیزه، برای ایجاد این مکتب بود. در ایران کودتای ۲۸ مرداد و شکست نهضت ملی از علل تغییر و تحول رمانتیسم به رمانتیسم اجتماعی بود.

«حاکم بودن فضای رعب و وحشت در روزهای پس از کودتا، تعقیب، دستگیری و شکنجه آزادی خواهان، محاکمه و اعدام، زندانی یا تبعید سران نهضت، ممنوعیت فعالیت احزاب وابسته به جبهه ملی و حزب توده، کشف سازمان نظامی حزب توده، محاکمه و مجازات افسران آن مجموعه عواملی بودند که فضای سیاسی و اجتماعی جامعه را در آن سال‌ها تیره و تار ساختند.» (زندیه و اسماعیلی، ۱۳۹۰: ۱۴۰) بنابراین شاعران به فضیلت‌های انسانی تباه شده‌ی انسان‌ها پرداختند و شاعران برای نشان دادن حس

همدردی خود با کسانی که حقوق انسانی و زندگی‌اشان پایمال شده است شعر خود را محکمه‌ای ساختند تا صاحبان زور را به پای میز محاکمه بکشاند. (همان ۱۳۸)

شعر شاملو نیز محتوای فلسفی و اجتماعی دارد. در برخی اشعار محور اصلی شعر، انسان است. و او می‌کوشد تا درک و بینش مردم و انسان‌ها را نسبت به خود و جامعه و دنیا بالا ببرد. پس با وجود آنکه شعر او از نخله‌های رمانتیسم فاصله نمی‌گیرد اما در شعرش به مردم، حوادث اجتماعی - سیاسی همچنین بی‌عدالتی‌ها و فقر و آزادی می‌پردازد. او حتی در عاشقانه‌هایش نیز چهره‌ای حماسی از معشوق پدیدار می‌کند. «در عاشقانه‌های او بیش از آنکه به عشق توجه شود واقعیت‌های تلخ جامعه مطرح می‌شود و شاملو بیش از هر شاعر دیگر از جریان‌های اجتماعی مختلف تأثیر گرفته است و در اشعار او صدای گم‌های انسان به گوش می‌رسد.» (حقوقی، ج ۱، ۱۳۶۸: ۲۹) در میان ۳۲۱ شعر رمانتیسم شاملو ۱۷۴ شعر، رمانتیسم اجتماعی است؛ ۴۰/۸۶ درصد.

۱) ذهنیت غنایی و پرداختن به مسائل اجتماعی

شعر «بارون»، به مکتب رمانتیسم گرایش دارد؛ مشخصه‌هایی چون نخیل، رفتار انسانی و طبیعت، زبان کودکانه بیانگر نوستالژی کودکانه‌ست. با وجود این به واقعیت‌های زندگی هم اشاره می‌کند. این شعر در زندان قصر در سال ۱۳۳۲ سروده شده است. آغاز شعر با فضایی از سایه سیاه آغاز می‌شود. تیرگی، سکوت و غفلت بر مردم جامعه سایه افکنده است و هیچ‌کس به دنبال حقیقت گم شده (زهره) نیست. (سلاجقه، ۱۳۹۵: ۲۹۷-۳۰۴)

نماد زهره، در این سروده برای مفاهیم سیاسی و اجتماعی در خدمت شاعر آمده است. «جاده کهنکوشون کو / زهره آسمون کو / چراغ زهره سرده / تو سیاهیا می‌گرده ...

چهار تا مرد بیدار / نشسته تنگ دیفار / دیفارکنده کاری نه فرش و نه بخاری.» (شاملو، ۱۳۹۴: ۱۹۴) شعر درون‌مایه‌ی اجتماعی دارد و این بند از شعر نیز بیانگر فقر مردم جامعه است.

در سروده «تا شکوفه سرخ یک پیراهن» ذهنیت غنایی و مؤلفه‌های رمانتیسم، چون؛ فردیت، طبیعت، عشق و تخیل جلوه‌گر است. با وجود این، شعر موضوعی اجتماعی یافته‌است. این شعر بر پایه عشق بنا شده است. «حضور عشق در این شعر به خوبی احساس می‌شود. شاملو در ستایش عشقی که در آن روزگار برای او آرمان بوده، سروده است. با آنکه شعر در رثای شهید «آبایی دبیرترکمن» است اما بهانه‌ی سرودن این شعر دختری از دشت است که

آرزوهای درخشانی دارد و برق آن آرزو شاملو را به سرودن شعری کشانده است که سرشار از عشق و نیاز و شور و شادی است.» (شهرجردی، ۱۳۸۱: ۲۰۰)

شاملو به زیبایی توانسته، در دل حماسه، فضایی رمانتیک را با واقعیت پیوند بزند. تمام بند بلند دوست داشتن در این شعر، توضیحی کامل از دوست داشتن است با پیوند اجتماع. دوست داشتن جلوه‌های گوناگون حیات، طبیعت، انسان و صورت های انسانی - اجتماعی. (پاشایی، ج ۱، ۱۳۸۲: ۵۰)

« دوست داشتن شوکه‌ها / گزنه‌ها و آویشن وحشی، / و خون سبز کلروفیل / بر زخم برگ لگد شده / دوست داشتن بلوغ شهر / و عشق اش / دوست داشتن سایه دیوار تابستان / و زانوهای بی‌کاری در بغل / دوست داشتن کارگاه قالی بافی / زمزمه خاموش رنگ‌ها / تپش خون پشم در رگ‌های گره / و جان‌های نازنین انگشت / که پامال می‌شوند.» (شاملو، ۱۳۹۴: ۵۸)

این شعر بیانگر دوست داشتن مردم است و اینکه شاعر با نجات‌دهندگان و فریادگران همراه شده است.

در شعر «سماجت یک الماس»، آغاز شعر، سخن از زهری است که چون عشق، سرخ است. پس از آن از انتظار برای یک اقدام که می‌تواند مبارزه باشد و از امضایی که با لاک خون نقش می‌بندد.

«و اگر نشنوی به تو خواهم شنواید / حماسه سماجت عاشقت ات را زیر پنجره مشبک تاریک بلند که در غریو قلب اش زمزمه می‌کند: «شوکران عشق تو که در جام قلب خود نوشیده ام / خواهم کشت. / و آتش این همه حرف در گلویم / که برای برافروختن ستاره‌گان هزار عشق افزون است / در ناشنوایی گوش تو / خفه ام خواهد کرد!» (شاملو، ۱۳۹۴: ۲۵۳) در این قطعه سخن از کسی است که برای عشق به اهدافش از جان می‌گذرد، سخن از تلاش عاشق آزادی خواه است. شاملو عشق را نثار مبارز، کرده است و اتحاد و پیوستن عشق خود با عشق مبارز را با تصویر و تخیل شاعرانه بیان کرده، به زیبایی مبارزه و عشق را هم‌ساز می‌کند.

در شعر «برای شما که عشق تان زندگی است»؛ شاملو بیان‌هوار، زنان اجتماع را به فعالیت در عرصه اجتماع فرا می‌خواند. (اردستانی و ملاجعفری، ۱۳۹۵: ۱۳۸)

«شما که عشقتان زندگی ست / شما که خشم‌تان مرگ است / شما که تابانده‌اید در یأس آسمان‌ها / امید ستارگان را / شما که مردانی زاده‌اید که نوشته‌اند بر چوبه‌ی دارها یادگارا / و شما که پرورده‌اید فتح را / در زهدان شکست.» (شاملو، ۱۳۹۴: ۲۳۹) در این

سروده روشن است که شاملو با دیده احترام به بانوان سرزمینش نگریسته است. توجه به زنان یکی از موضوعات اجتماعی است. در این شعر با وجود ذهنیت غنایی حاکم بر شعر، شاملو به زنان و جایگاه اجتماعی آنها می‌پردازد. زن نه تنها در زندگی خانوادگی خود تأثیرگذار است بلکه در سرنوشت یک سرزمین هم نقش دارد. زن آن اندازه قدرتمند است که فتح و پیروزی را پرورش می‌دهد و تحمل و بردباری را به مردان آموزش می‌دهد و نیروی عشق زنان است که به مردان انگیزه‌ی مبارزه می‌دهد. این سروده فضایی غنایی دارد که با واقعیت زندگی پیوند خورده است. یک مبارز و از جان گذشته با عشق است که می‌تواند دشواری‌ها را به جان بخرد.

در سروده «عشق عمومی» همان‌گونه که از عنوان شعر آشکار است، ابراز توجه به انسان‌ها و عشق به آنهاست:

«اشک آن شب لبخند عشقم بود قصه نیستم که بگویی / نغمه نیستم که بخوانی
من درد مشترکم / مرا فریاد کن.» (شاملو، ۱۳۹۴: ۲۱۳) عشق، تنها فردی نیست. عشق، جز آنکه در مفهوم غنایی و رمانتیک مطرح می‌شود در مفهوم اجتماعی نیز جلوه‌گر است. زیرا که شاملو بیان‌کننده‌ی درد مشترک میان همه انسان‌هاست. به گفته فروم، «اساسی‌ترین نوع عشق، عشق برادرانه است. عشق برادرانه همان احساس مسئولیت، دلسوزی، احترام و شناخت همه انسان‌ها و آرزوی بهتر کردن زندگی انسان‌هاست. در عشق برادرانه وحدت و پیوند متقابل با همه انسان‌ها مشهود است.» (فروم، ۱۳۹۵: ۶۶)

«شاملو می‌گوید: من اگر انسان باشم نمی‌توانم از درد شما غافل باشم. نمی‌توانم، در عاشقانه‌ترین شعرهای من یه عقیده اجتماعی پیدا می‌کنی چرا؟ برای این که من همراه جامعه‌ام من جامعه‌ام را حس می‌کنم من از درد خود فریاد زده‌ام. البته که چنین است، مگر می‌توان از درد دیگری فریاد زد و در ضمن صمیمی و صادق بود؟ اگر درد من درد تو نیز بوده است اگر درد من مشترک بوده پس در همان حال درد مشترک را فریاد زده‌ام.» (دیانش، ۱۳۸۵: ۱۲۴)

شعر «ماهی» در سال ۱۳۳۸ سروده شده است و درون‌مایه‌ی آن اندیشه اجتماعی، عشق عمومی و شخصی است. و شعر، بیش از آنکه بیانگر عشق شخصی باشد، نشان‌دهنده امید راوی از مبارزات اجتماعی است. (سلاجقه، ۱۳۹۵: ۱۷۸-۱۷۹)

«احساس می‌کنم / در بدترین دقایق این شام مرگرای / چندین هزار چشمه خورشید / در دل‌ام / می‌جوشد از یقین؛ / احساس می‌کنم / در هر کنار و گوشه این شوره زار یأس،

چندین هزار جنگل شاداب/ ناگهان/ می‌روید از زمین.» (شاملو، ۱۳۹۴: ۳۲۵) شادی شاملو در این سروده ناشی از یک احساس فردی نیست بلکه این شادی عمومی است، زیرا که ندای پیروزی قافله مبارزان شنیده می‌شود.

در این سروده، جز ذهنیت غنایی، طبیعت هم در پررنگ کردن رمانتیسم اجتماعی تأثیر زیادی دارد. نمادهایی با مفهوم اجتماعی، چون: خورشید، جنگل شاداب، شام مرگ‌زای. در اشعاری که شاملو به شهیدان و مبارزان اشاره می‌کند و در اشعاری که به فقر و نبود آزادی توجه دارد؛ رمانتیسم اجتماعی مشهود است. چون بنیاد اغلب اشعار او بر پایه تصویر و تخیل شاعرانه، فردیت، غم، اندوه، یأس و عشق است که همه از مولفه‌های رمانتیسم به شمار می‌آیند. در اشعار رمانتیسم اجتماعی شاملو، ذهنیت غنایی و اشاره به موضوعات اجتماعی بسامد بالایی دارد. از میان ۱۷۴ شعر رمانتیسم اجتماعی در ۱۴۹ شعر، این ویژگی مشاهده شد، ۸۵/۶۳ درصد.

۲) طبیعت‌گرایی در مفهوم نمادین (نمادهای سیاسی و اجتماعی)

بهره‌گیری از زبان نمادین که از مشخصات زبان «نیما» بود همراه با خفقان اجتماعی زمان رضاشاه به وجود آمد و پس از کودتای ۲۸ مرداد رشد یافت، زبان نمادین، راهکاری بود برای شاعر منتقد و معترض، تا سخنان خود را بیان کند. احمد شاملو از نمادهای متفاوتی در شعرش استفاده کرده است؛ یکی از نمادها طبیعت است که اغلب در مفهوم سیاسی و اجتماعی به کار گرفته شده است. (احمدی و دلاور، ۱۳۹۶: ۲۶)

در شعر «گل‌کو» طبیعت، در جایگاه نمادین مفهوم سیاسی می‌باید. شب ندارد سر خواب (شب نماد ظلم). می‌دود در رگ باغ/ (باغ نماد جامعه). باد، با آتش تیزابش، فریادکشان.» (باد نماد مهاجم، استبداد). (شاملو، ۱۳۹۴: ۱۱۰)

«گل‌کو» نیز معشوق راوی، نیست بلکه حامی و پشتوانه‌ی او در سفرهای دور و درازش است که برای دست‌یابی شاعر به آزادی در فعالیت‌های انقلابی با او همراه است. و گل‌کو حامی مرد مبارزی است که در راه رسیدن به آزادی گام بر می‌دارد. (متحد، حسن لی و کیانی، ۱۳۹۶: ۱۰۴)

شعر «تاشک» درون‌مایه اجتماعی دارد. بیانگر فضای سیاه و اندوهناک است و نمادهایی چون باد ناستوار می‌تواند نماد حوادث اجتماعی و استبداد ناپایدار باشد. (سلاجقه، ۱۳۹۵: ۱۸۱-۱۸۳) «خانه‌ها در معبر باد ناستوار/ استوارند،/ درخت، در گذرگاه باد شوخ، وقار می‌فروشد.» (شاملو: ۳۷۰) می‌توان درخت را در مفهوم نمادین مبارز دانست.

در شعر مشابه از دفتر «ابراهیم در آتش» سپیده دم؛ در مفهوم نمادین واقع شده است: «مسافر تنها!! با آتش حقیرت/ در سایه سار بید/ چشم انتظار کدام/ سپیده دمی؟» (شاملو، ۱۳۹۴: ۷۲۱) سپیده دم، نماد طلوع آزادی است. (احمدی و دلاور، ۱۳۹۶: ۳۶) در این شعر می‌توان حس ناامیدی سیاسی شاعر را نسبت وضعیت حاکم دریافت کرد. در سروده «بر سنگ‌فرش» ستاره، شاخه انجیر باغ، باد و زاغ، همه در جایگاه نماد و برای انتقال مفاهیم سیاسی و اجتماعی به کار گرفته شده‌اند: «یاران ناشناخته ام/ چون اختران سوختند/ چندان به خاک تیره فرو ریختند سرد/ که گفتی/ دیگر/ زمین/ همیشه/ شبی بی‌ستاره ماند.» (شاملو، ۱۳۹۴: ۳۲۹)

ستاره نماد قهرمانان مبارز است. (شکیبی ممتاز، ۱۳۹۳: ۱۲۹) قهرمان مبارزی که در راه آرمانش کشته می‌شود و خورش بر سنگ فرش شهر می‌ریزد. شاملو در این سروده در نقش بیدار کننده مردم است تا آن‌ها را از شرایط و اوضاع جامعه آگاه کند. می‌گوید: «از پشت شیشه‌ها به خیابان نظر کنید! خون را به سنگ‌فرش ببینید! در بند بعدی شعر آگاهی مردم را می‌بینیم ... بادی شتابناک گذر کرد/ بر خفتگان خاک/ افکند آشیانه زاغ را/ از شاخه برهنه انجیر پیر باغ.» (شاملو، ۱۳۹۴: ۳۳۰) باد شتابناک؛ موج دوباره مردمی است که بعد از کشتارهای فجیع و اعدام‌های بی‌رحمانه‌ی دوران کودتا بیدار شده‌اند و شوری شتابناک آن‌ها را به جوش و هیجان آورده تا سرکردگان رژیم پهلوی را بر بساط حاکمیت در هم بکوبند. باد شتابناک نماد موج مردمی و آشیانه زاغ نماد سرکردگان رژیم پهلوی است. (سالمیان، آرتا و حیدری، ۱۳۹۱: ۸۱ - ۸۲)

شاخه انجیر باغ نماد ابزارهای حاکمیت است. (احمدی و دلاور، ۱۳۹۶: ۳۲ - ۳۳) در شعر «محاق» ماه، کبوتر و صنوبرها و پرندگان نمادهایی در مفهوم سیاسی و اجتماعی‌اند: «به نو کردن ماه/ بر بام شدم/ با عقیق و سبزه و آینه/ داسی سرد بر آسمان گذشت/ که پرواز کبوتر ممنوع است/ صنوبرها به نجوا چیزی گفتند/ و گزمه‌گان به هیاهو شمشیر در پرنده‌گان نهادند.» (شاملو ۷۴۲)

ماه، نماد هدف مقدس برای پیشبرد مقاصد انقلابی است. (شکیبی ممتاز، ۱۳۹۳: ۱۲۱) کبوتر، نماد صلح و آزادی، صنوبرها، نماد جاسوسان و محافظه‌کارانی که برای حفظ منافع خود دست به هر توطئه‌ای می‌زنند. (همان: ۱۳۰) پرندگان نماد آزادی خواهان و روشنفکرانند. (پورنامداریان، ۱۳۹۱: ۳۴) در اشعار شاملو طبیعت به خدمت او می‌آید تا افکار و انتقاداتش را در جامه‌ی ابهام و نماد بیان کند. در میان ۱۷۴ شعر رمانتیک

اجتماعی ۱۴۰ مورد طبیعت در مفهوم نمادین (نمادهای سیاسی و اجتماعی) مشاهده شد، ۸۰/۴۵..

۳) اومانیسیم

شاملو در دوران زندگی شاعری اش همواره به انسان توجه کرده است. او می‌گوید: «در ابتدا انسان بود و انسان «تمامی» بود. چرا که شکوه شرف را با خود به این جهان آورده بود و شرافت او آزادی بود. آنچه برای یک انسان مهم است، زندگی کردن است و مفید بودن. در این تداوم عالم بشریت، هر کدام از ما با عمری که می‌کنیم، یک تپشیم برای تداوم عالم بشریت.» (دیانونوش، ۱۳۸۵: ۴۸)

انسان در اشعار شاملو تنها مرد نیست، گاه زن است و گاه کودک ...؛ صدای انسان، تنها صدای انسان هم‌وطن (ایرانی) نیست. او به صدای همه انسان‌ها گوش می‌دهد. می‌کوشد انعکاس صدای تمام آن‌ها باشد اما هدف شاملو از تأکید و توجه زیاد به انسان واژه دیگری است. او می‌خواهد انسانیت را زنده کند. از این رو، «در سراسر تاریخ ادبیات فارسی شاعری تا این اندازه انسان‌گرا نداشته‌ایم. شاملو انسان‌گراترین شاعر جهان است و انسان در شعر او عظمتی خیره‌کننده دارد.» (پور عظیمی، ۱۳۹۶: ۳۴۶)

«در هوای تازه و باغ‌آینه تأثیر شاملو از انسان‌گرایی اوایل این قرن و مکتب‌های آزادی‌خواه نمود بارزی دارد. در این شعرها مسائل اومانستی و روشن‌فکری به خوبی دیده می‌شود.» (صاحب اختیاری و باقر زاده، ۱۳۸۱: ۴۳۹)

در سروده «غزل آخرین انزوا» از دفتر هوای تازه، لحن شاملو به گونه‌ای بیانگر ارزش انسان است. «انسان این سلطان بزرگ‌ترین عشق و عظیم‌ترین انزوا! انسان این شهریار بزرگ که در آغوش حرم اسرار خویش آرام یافته است و با عظمت عصیانی خود به راز طبیعت و پنهان‌گاه خدایان خویش پهلو می‌زند!» (شاملو، ۱۳۹۴: ۲۷۲) گویی از خواننده اعتراف می‌گیرد که انسان معجزه است. تکرار نام انسان در آغاز هر سطر تأکیدی است در معجزه بودن او. شاملو در این سروده انسان را ستایش می‌کند و او را به بالاترین مرتبه می‌رساند. (سلاجقه، ۱۳۹۵: ۲۶۲) همچنین عبارت عظمت عصیانی بیانگر تسلیم نشدن انسان در برابر تقدیر و سرنوشت است. که در پروردن اومانیسیم نقش دارد.

در شعر «قصیده برای انسان ماه بهمن» انسان‌گرایی در مفهومی جهانی نمودار است. «و راه می‌رود بر تاریخ، بر چین/ بر ایران و یونان/ انسان انسان انسان ... انسان‌ها ... و

که می‌دود چون خون، شتابان/ در رگ تاریخ، در رگ ویتنام، در رگ آبادان انسان انسان
انسان انسان ... انسان‌ها.» (شاملو، ۱۳۹۴: ۶۳)

این شعر به مناسبت قتل دکتر ارانی سروده شده است. (شاملو، ۱۳۹۴: ۱۰۵۸)
همچنین درون‌مایه سیاسی-اجتماعی دارد. در این سروده «انسان» محور شعر است. شاملو
از پایداری و مبارزه ارانی می‌گوید و این ویژگی‌ها (مقاومت و مبارزه) را به همه انسان‌های
کره‌ی زمین پیوند می‌زند؛ انسانی که در برابر ظالم مبارزه می‌کند و قطره‌های خورش جاری
می‌شود؛ انسانیت را معنا کرده است: «انسان هر قطره/ که از آن قطره، هر تپش/ که از آن
تپش، هر زندگی/ یک انسانیت مطلق است.» (همان ۶۵)

شعر «تکرار» تأویلی اجتماعی- فلسفی دارد. و شاملو در این شعر به مقام والای
انسان نظر دارد. از منظر اجتماعی سخن از مبارزان راه آزادی است که در راه اهدافشان
شهید می‌شوند. عده‌ای از شاعران روشنفکر و آزادی‌خواه پس از شهادت آن‌ها می‌کوشند تا
چون رسولانی رسالت شهیدان را در قالب شعر به گوش مردم برسانند. «جنگل آینه‌ها به
هم در شکست/ و رسولانی خسته برگستره تاریخ فرود آمدند/ که فریاد درد ایشان/
به‌هنگامی که شکنجه بر قالب شان پوست می‌دوید/ چنین بود: کتاب رسالت با محبت است
و زیبایی ست/ تا بلبل‌های بوسه/ بر شاخ ارغوان بسریند/ شوربختان را نیک فرجام/
برده‌گان را آزاد و / نومیدان را امیدوار خواسته ایم/ تا تبار یزدانی انسان/ سلطنت جاویدانش
را بر قلمرو خاک/ بازیابد.» (همان ۴۶۵)

هدف نهایی مبارزان آن بود که انسان‌ها به ارزش واقعی خود پی ببرند. آن‌ها سزاوار
آزاد زیستن‌اند. زندگی در اسارت و بندگی شایسته آن‌ها نیست. در پایان شعر، شاعرانی که
پیام آور شهیدان بودند به تبار شهیدان می‌پیوندند و این‌گونه است که سرود و زیبایی
زمینی را که دیگر از آن انسان نیست بدرود می‌کند. در این قطعه نیز، راوی به زیبایی به
حقیقت انسانی و آزادی پرداخته است.

سروده ششم شبانه از دفتر «آیدا: درخت و خنجر و خاطره» نیز بیانگر تفکر
اومانیستی شاملو است. شعر، داستان مبارزه‌ی نسلی است که برای احیای حقوق انسان قیام
کرده است. (سلاجقه، ۱۳۹۵: ۳۵۲) اما انسان غافل است و قدر او را نمی‌داند. «زیرا که
انسان، ای دریغ به درد قرون‌اش خو کرده بود» (شاملو، ۱۳۹۴: ۵۲۸) این شعر نیز تأویل
اجتماعی سیاسی دارد. مبارزان می‌کوشند در برابر ظلم، ایستادگی کنند. آن‌ها از خون خود
نیز می‌گذرند اما انسان‌های غافل، مبارزان را عده‌ای دیوانه می‌بینند. سرانجام مبارزان که

شاعر از آن‌ها به یاران یاد می‌کند، یکی یکی از پا درآمده، همه آن‌ها را فراموش می‌کنند؛ مگر عده‌ی اندکی که نام آن‌ها را در گوشه دفترشان یادداشت کرده‌اند.

اندیشه اومانیستی او در شعر «ترانه بزرگ ترین آرزو» نیز جلوه‌گر است. شاملو وجود انسان را مایه آبادانی می‌داند. اما این حضور با آزادی رنگ می‌گیرد و هر کجا انسان آزاد باشد ویرانه‌ای نخواهد بود. «سالیان بسیار نمی‌بایست دریافتن را/ که هر ویرانه نشانی از غیاب انسان است/ که حضور انسان/ آبادانی ست.» (همان، ۷۹۹) از میان اشعار رمانتیسم اجتماعی ۵۹ مورد نگرش اومانیستی مشاهده شد، ۳۳/۹۰ درصد.

۴) ناسیونالیسم

در نظام سیاسی مطلوب می‌توان نشانه‌های گفتمان ناسیونالیستی را دید. نظام سیاسی مطلوب در شعر شاملو، یعنی: دولت ملی بدون دخالت بیگانگان و استعمارگران. شاملو در جایگاه یک شاعر ناسیونالیست از مردم و حکومت ملی با اشعارش حمایت کرد. (صدرایی و صادقی، ۱۳۹۷: ۱۹۰)

اندیشه ناسیونالیستی شاملو در مبارزات او با استبداد قدرت می‌گیرد. برای نمونه در شعر شبانه (یاران من بیایید...) «در فضایی اجتماعی، با لحنی آرام و خسته و دردآلود از هم‌دردی و همراهی می‌گوید.» (پاشایی، ج ۱، ۱۳۸۲: ۲۰۲)

«یاران من بیایید/ با دردهای تان/ و بار دردتان را/ در زخم قلب من بتکانید.» (شاملو، ۱۷۵) به باور شاملو در هنگام رویارویی با ستمگر و در تحمل درد و رنج ناشی از حکومت ظالمانه، انسان‌ها باید با هم متحد باشند. توجه او به همراهی و پیوستگی، نشان از تفکر ناسیونالیستی اوست.

در سروده «آواز شبانه برای کوچه‌ها» هم تفکر ناسیونالیستی نمود دارد هم اندیشه اومانیستی. «بگذار خون من بریزد و خلأ میان انسان‌ها را پر کند/ بگذار خون ما بریزد/ و آفتاب‌ها را به انسان‌های خواب‌آلوده/ پیوند دهد.» (شاملو ۲۴۸)

این شعر در زمان تحول روحی و درونی شاملو سروده شده است. آن زمان که تصمیم می‌گیرد از دنیای فردی خود فاصله گرفته، به سیل مبارزان بپیوندد. او اتحاد و پیوستگی را بهترین راه برای آگاه کردن مردم غفلت زده می‌داند. حتی اگر از جان گذشتن موجب بیداری غافلان شود باید همراه و هم‌صدا تا پای مرگ رفت.

در سروده «از نفرتی لبریز» (شاملو ۳۵۶) از دفتر باغ آینه، اندیشه ناسیونالیستی هویدا است. در این شعر ضمیر (ما) پنج بار تکرار می‌شود؛ تأکیدی است بر اتحاد با

جمعیت. با هم نوشته‌اند، با هم گریسته‌اند، با هم از جان گذشته‌اند و سرانجام با فریادی از قالب خود بیرون آمده‌اند. این اتحاد و همبستگی در شعر پس از آن نیز ادامه می‌یابد. در شعر «فریادی و ... دیگر هیچ» راوی و هم‌زمانش با پیوند عشق و امید قیام کرده‌اند اما یأس توان‌تر از امید است. به‌ناچار به فریادی در برابر ظالم اکتفا می‌کنند. «بر بستر سبزه‌ها خفته‌ایم/ با یقین سنگ/ بر بستر سبزه‌ها با عشق پیوند نهاده‌ایم و با ناامیدی بی شکست / از بستر سبزه‌ها/ با عشقی به یقین سنگ برخاسته‌ایم/ اما یأس/ آن چنان تواناست که بسترها و سنگ، زمزمه ای بیش نیست/ فریادی/ و دیگر هیچ!» (شاملو، ۳۵۷) این فریاد، فریاد انسان‌هایی است که نمی‌خواهند در برابر ظلم تسلیم شوند.

در شعر «۲۳»، تفکر ناسیونالیستی او به تصویر کشیده شده‌است. به نظر سلاجقه این شعر در سال ۱۳۳۰ سروده شده است. شاملو حکایت اوضاع اجتماعی زمانه خود را به شکل تمثیلی بیان کرده است. تصاویر و تمثیل‌ها برای نشان دادن فضای تاریخی ۲۳ تیرماه به خدمت او آمده است تا اندیشه‌های انقلابی شاملو با لحنی پرخاش‌جویانه به نظم کشیده شود. (سلاجقه، ۱۳۹۵: ۱۳۷) هدف او در این سروده آگاه کردن مخاطب از ستم حاکمان و استعمارگران است. حکومت، مبارزان زیادی را کشته‌است. دختری که پا نداشته در برابر دشمن تسلیم نمی‌شود. اما گروه زیادی از مردم به زیان و آسیب از سمت دشمن عادت کرده‌اند.

در پایان شعر از همبستگی و ایستادگی در برابر دشمن می‌گوید. «خون مان را قاتی می‌کنیم/ فردا در میعاد/ تا جامی از شراب مرگ به دشمن بنوشانیم/ به سلامت بلوغی که بالا کشید از لمبرهای راه/ برای انباشتن مادر تاریخ یک رحم/ از ستاره‌های بزرگ قربانی/ روز بیست و سه تیر.» (شاملو، ۴۶) «تظاهرات ۲۳ تیر ۱۳۳۰ تظاهراتی بود که حزب توده در اعتراض به ورود آورل هریمن برگزار کرد. در این تظاهرات بیست نفر در تهران جان خود را از دست دادند و هفده نفرشان در خوزستان کشته شدند و ۱۵۱ نفر مجروح شدند.» (ویکی‌پدیا). «هریمن می‌خواست با اعمال فشار سیاسی علیه ایران، منافع شرکت سابق نفت ایران و انگلیس را تأمین کند اما مأموریت او به شکست انجامید.» (روزنامه مشرق، ۲۸ مرداد ۱۳۹۷: ۱۴-۴۹)

در شعر «با چشم‌ها» به اتحاد و یک‌دلی نظر دارد که نشانه‌ی تفکر ناسیونالیستی است. «ای کاش می‌توانستند از آفتاب یاد بگیرند/ که بی‌دریغ باشند/ در دردها و شادی‌هاشان/ حتی/ با نان خشک‌شان/ و کاردهایشان را/ جز از برای قسمت کردن/ بیرون نیاورند.» (شاملو ۶۵۷) در این سروده شاملو به غفلت عده‌ای در برابر حکومت ظالم اشاره

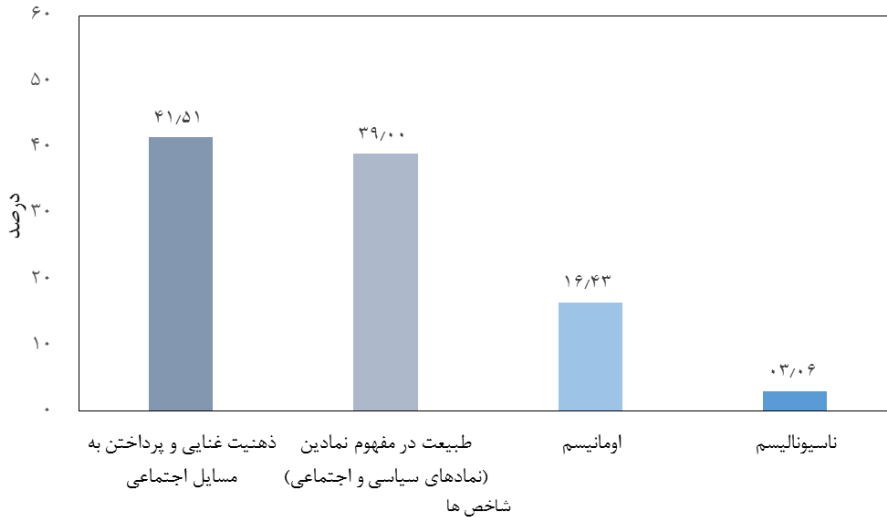
می‌کند. کسانی که گمان می‌کنند شب خفقان و استبداد را پشت سر گذاشته، به آفتاب آزادی و عدالت دست یافته‌اند. و نمی‌خواهند باور کنند این آفتاب، دروغین است. از میان اشعار رمانتیسم اجتماعی، یازده مورد ناسیونالیسم مشاهده شد، ۶/۳۲ درصد. این مؤلفه کمترین بسامد را در میان سایر مؤلفه‌های رمانتیسم اجتماعی در شعر شاملو دارد. زیرا که او خویشاوند نزدیک هر انسانی است که خنجر در آستین پنهان نمی‌کند، ابرو در هم نمی‌کشد و لبخندش ترفند تجاوز به حق و نان دیگران نیست. شاملو نه ایرانی را به انیرانی ترجیح می‌دهد نه انیرانی را به ایرانی. او خود را متعلق به همه‌ی دنیا می‌داند. افریقایی، اروپایی، ترک، سیاهپوست، سرخ‌پوست، زردپوست. او انسانی است در جمع انسان‌های دیگر بر سیاره مقدس زمین، که بدون دیگران معنایی ندارد. (قدمیاری، ۱۳۹۲: ۴۹) او روزی را می‌خواهد ببیند «که هر انسان برای هر انسان برادری است.» (شاملو ۲۰۷)

۳- نتیجه گیری

با بررسی مشخصه‌های رمانتیسم اجتماعی در اشعار مورد توجه شاملو می‌توان گفت: اومانیسیم، در شعر شاملو نمود دارد، شاملو در اشعارش خود را نسبت به همه‌ی انسان‌ها مسئول می‌داند و می‌کوشد جایگاه ارزشمند انسان را به او یادآوری کند. او به همه‌ی انسان‌ها توجه دارد. زن، مرد، کودک، هم‌وطن و غیر هم‌وطن. شاملو با وجود حفظ ذهنیت غنایی در اشعار، به مسائل اجتماعی و سیاسی توجه درخور دارد. مسائلی چون آزادی و فقر. بسامد طبیعت در مفهوم نمادین به ویژه نمادهای سیاسی و اجتماعی نیز در شعر او نقش زیادی دارد. او متفکرانه طبیعت را به خدمت می‌گیرد تا حکومت و اجتماع را نقد کند. ناسیونالیسم کم‌ترین بسامد را در شعر شاملو دارد زیرا او شاعری جهانی است و خود را متعلق به همه‌ی انسان‌ها می‌داند. با توجه به یافته‌ها روشن است که رمانتیسم اجتماعی در شعر شاملو نمود چشمگیری دارد.

بسامد مؤلفه‌های رمانتیسم اجتماعی در شعر شاملو

ناسیونالیسم	اومانیسیم	طبیعت در مفهوم نمادین	ذهنیت غنایی و پرداختن به مسایل اجتماعی
۶/۳۲	۳۳/۹۰	۸۰/۴۵	۸۵/۶۳



فهرست منابع

تألیفات

- ۱- پاشایی، علی، (۱۳۸۲). زندگی و شعر احمد شاملو، ج ۱، تهران: نشر ثالث.
- ۲- پورعظیمی، سعید، (۱۳۹۶). بام بلند همچراغی، با آیدا درباره احمد شاملو، تهران: هرمس.
- ۳- جعفری جزی، مسعود، (۱۳۷۸). سیر رمانتیسیم در اروپا، تهران: نشر مرکز.
- ۴- حقوقی، محمد، (۱۳۶۸). شعر زمان ما، انتشارات نگاه.
- ۵- دیانوش، ایلپاد، (۱۳۸۵). لالایی با شیپور (گزین گوئیها و ناگفته‌های احمد شاملو)، تهران: مروارید.
- ۶- دی اسمیت، آنتونی، (۱۳۹۴). ناسیونالیسم و مدرنیسم، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: نشر ثالث.
- ۷- سلاجقه، پروین، (۱۳۹۵). نقد شعر معاصر، امیرزاده کاشی‌ها (احمد شاملو)، تهران: مروارید.
- ۸- سلطانپور، منیر، (۱۳۹۱). فردیت در شعر معاصر، تهران: گفت‌مان اندیشه معاصر. (کتاب الکترونیکی).
- ۹- سیدحسینی، رضا، (۱۳۹۴). مکتب‌های ادبی، ج ۱، تهران: نگاه.

- ۱۰- شاملو، احمد، (۱۳۹۴). مجموعه آثار احمد شاملو، شعرها، تهران: انتشارات نگاه.
- ۱۱- شهرجردی، پرهام، (۱۳۸۱). ادیسه بامداد، تهران: اندیشه سازان.
- ۱۲- صاحب اختیاری، بهروز و حمیدرضا باقرزاده، (۱۳۸۱). احمد شاملو شاعر شبانه‌ها، تهران: هیرمند.
- ۱۳- فروم، اریک، (۱۳۹۵). هنر عشق ورزیدن، تهران: انتشارات جامی. (کتاب الکترونیکی).
- ۱۴- فورست، لیلیان، (۱۳۹۱). رمانتیسم، ترجمه مسعود جعفری، تهران: نشر مرکز.
- ۱۵- قدمیاری، مجید، (۱۳۹۲). شعری که زندگی ست، تهران: سخن.
- ۱۶- ماری، پی‌یر، (۱۳۹۵). اومانیسم و رنسانس، ترجمه عبدالوهاب احمدی، تهران: نشر آگه.
- ۱۷- مجابی، جواد، (۱۳۹۱). شناخت‌نامه‌ی احمد شاملو، تهران: نشر قطره.

مقالات

- ۱- احمدی، شهرام و پروانه دلاور (۱۳۹۶). «بررسی کاربردشناسه نمادگرایی در شعر احمد شاملو»، بوستان ادب، س ۹، ش ۲، پیاپی ۳۲: ۲۵-۴۸.
- ۲- اردستانی، علی و فریبا ملا جعفری، (۱۳۹۵). «سیاست جنسیت و هویت در ایران معاصر با تاکید بر اشعار شاملو»، نشریه‌ی مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، ش ۳: ۱۲۷-۱۵۲.
- ۳- پورنامداریان، تقی، ابوالقاسم رادفر و جلیل شاکری، «بررسی و تاویل چند نماد در شعر معاصر»، ادبیات پارسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۲، ش ۱: ۲۵-۴۸.
- ۴- زندیه، حسن و محسن اسماعیلی، (۱۳۹۰). «روح نامرئی شعر فارسی تاثیر عامل‌های سیاسی و اجتماعی عصر پهلوی بر فراز و فرود رمانتیسم فارسی، جستارهای تاریخی»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۲، ش ۱: ۱۲۷-۱۵۵.
- ۵- سالمیان، غلامرضا، سید محمد آرتا و دنیا حیدری، (۱۳۹۱). «بررسی دلالت معنایی نمادها در ادبیات کلاسیک و اشعار احمد شاملو»، س ۲۰، ش ۷۳: ۶۷-۹۸.
- ۶- شکیبی ممتاز، نسرین، «سمبل و جایگاه آن در شعر شاملو با تکیه بر شعر مه» مجله مطالعات انتقادی ادبیات، فصلنامه دانشگاه گلستان، س ۱، ش ۴، ۱۱۷-۱۳۸.

- ۷- صدراپی، رقیه و معصومه صادقی، (۱۳۹۷). «تحلیل گفتمان ناسیونالیستی در مجموعه اشعار احمد شاملو» (بر مبنای نظریه تحلیلی گفتمانی لاکلا و موفه)، مجله متن پژوهی ادبی، س ۲۲، ش ۷۵: ۱۷۵-۲۰۶.
- ۸- متحد، شیوا، کاووس حسن لی و حسین کیان، (۱۳۹۶). «وجه زنانه نمادها در شعر معاصر فارسی و عربی با نگاهی به شعر احمد شاملو و عبدالوهاب البیاتی»، فصل نامه علمی پژوهشی پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، ش ۲: ۱۱۹-۸۴.
- ۹- روزنامه مشرق، ۲۸ مرداد ۱۳۹۷، تظاهرات ۲۳ تیر ۱۳۳۰: ۱۴-۴۹.